

نگاه

نگاهی به مستند صحنه‌هایی از یک جدایی

حکایت مرارت‌ها

● **سارا آقابابائیان**: مهم‌ترین امتیاز مستند صحنه‌هایی از یک جدایی فاصله‌گیری یک دهه‌ای از هیاهوی فیلم جدایی نادر از سیمین است. مقطعی که حواشی فراموشی، نقادی‌های شتاب‌زده و جناح‌بندی‌های بعضاً کاذب این فیلم را به یک پدیده اجتماعی و حتی سیاسی تبدیل کرد و ماهیت سینمایی‌اش را تا مدت‌ها تحت‌الشعاع قرار داد. ولی امروز ارزش‌های این فیلم به لطف تثبیت‌شدنش در بستر گذر زمان، غبارروبی شده و می‌توان بی‌پیرایه با متن فیلم و مؤلفش مکالمه مجدد کرد؛ چنانکه شخص فیلم‌ساز نیز امروز به‌جای پاسخ به پرسش‌های غیرسینمایی و فرعی با فراغ بال می‌تواند به روزایی پنهان‌مانده‌ای از اثری که تکلیف جایگاهش روشن است، بپردازد.

فیلم صحنه‌هایی از یک جدایی در حیطه یک مستند پشت صحنه می‌کنجد؛ گونه‌ای که قرار است از وقایع پشت دوربین یک فیلم به هردلیل مهم پرده بردارد؛ امری که فی‌النتفسه کنج‌کاوی‌برانگیز است؛ به‌ویژه زمانی که سوژه پروسه ساخت فیلمی شامخ و کلاسیک‌شده چون جدایی باشد. اما به‌منظور باقی‌نماندن در سطح یک رپورتاژآگهی یا حاشیه‌نگاری (همچون مستندهای قبلی ساخته‌شده درباره این فیلم خاص) با ستایش‌نامه خشک و خالی که تنها توده هواداران فیلم را خوش آید، باید از توضیح وضاحت و تحسین و تمجیدهای مکرر پرهیز کرد و همچون مکملی برای اثر، ابعاد جدیدی از این پدیده مهم سینمایی تاریخ معاصر ایران را برما کند. از این طریق یک مستند پشت‌صحنه واجد هویت یک اثر خودسبده خواهد بود؛ هویتی که در گام نخست یک سیر روایی دارد، روایت چگونگی شکل‌گیری اثر مورد پژوهش به جای چه بودنش؛ به عبارت دیگر چنین مستندی حکم پیش‌داستانی دراماتیک از یک داستان باشکوه از پیش گفته‌شده را دارد، آنچه پیش از نمردهی کوشش‌ها، ویرترین جوایز و فرش قرمزهای پهن‌شده برای محصول نهایی، با مشقاتی ورای تصورات بسیاری از مخاطبان، رخ داده و مکتوم مانده است. از این‌رو بخش جالب این‌گونه مستندها عزیمت سازنده از جرقه ایده موجد تا شکل‌گیری بیرنگ‌هاست که نیکبختانه ساخته وحید صداقت این اقبال را یافته تا با چنین داده‌های ارزشمندی که لایه‌لای سخنان اصغر فرهادی قابل واکاوی است، رسالت مستند خود را به فرجام برساند.

مرحله بعد حکایت مرارت‌ها و معضلات اجتناب‌ناپذیر یک کار تیمی پیچیده همچون فیلم‌سازی است؛ به ویژه نحوه به‌تعامل‌رسیدن مجموعه عوامل که متناسب با کمال‌گرایی و سطح کیفیت اثر قطعا مسیر پراصطکالی داشته‌اند که همچون موانع پیش‌روی تولید، هرکدامش بالقوه داستانیکی شنیدنی و آموزنده تلقی می‌شود؛ از این‌رو برای مخاطب این مستند خبردارشدن از ایده‌های اولیه بلااستفاده و اطلاع از دلیل روی کاغذ ماندنشان به اندازه تماشای تصاویر بکر پشت صحنه فیلم جذاب خواهد بود؛ تصاویری که شارح میزان انرژی مبذول‌شده در تمرینات طاقت‌فرسا و عرق‌ریزی جمعی برای حفظ تداوم حسی فیلم است. همچنین رفتارنگاری شیوه مدیریت و اداره پشت‌صحنه توسط یک کارگردان حاذق، ازجمله ترندهای هفدمنش برای بازی‌گیری، کلاس درسی است که هراندازه مورد تفحص و موشکافی قرار می‌گرفت، قابل فراگیری بود؛ چنانکه می‌شد با نمایش برداشت‌های اوتی فیلم و سکانس‌های محذوف، به ویژه صحنه کلیدی تصادف که توضیح مبسوطی دربرآورش در فیلم موجود است، به غنای این مستند افزود و علت باقی بخش‌های تغییرکرده حین فیلم‌برداری با پای میز تدوین را نیز جویا شد تا برای علاقه‌مندانی که بار آموزشی چنین مستندی اولویت اصلی‌شان است و حتی برای مخاطبی که از التهاب پشت صحنه یک فیلم سینمایی ناگاه است، مفیدتر باشد. به هر روی، به قول معروف بهترین نسخه فیلم‌ها آنهایی هستند که در ضمیر فیلم‌سازشان مانده‌اند و مستند صحنه‌هایی از یک جدایی برای کشف نسخه جدایی نادر از سیمین نهفته در ذهن اصغر فرهادی، فرصت مغتنمی محسوب می‌شود.

چهار شب تا پایان «الف کاف شین»

● **گروه هنر**: نمایش «الف کاف شین» با طراحی، کارگردانی و نویسندگی روزبه حسینی پس از گذشت یک هفته از اجرای خود به ایستگاه آخر نزدیک می‌شود. «الف کاف شین» که پس از وقفه پنج‌ماهه کروانی از یکشنبه ۱۲ مرداد در «عمارت روبه‌رو» روی صحنه رفته بود، چهارشنبه ۲۲ مرداد از صحنه خداحافظی خواهد کرد. این نمایش با بازی «سیمنا شکری» از اعضای اصلی گروه «ناگهان» در نقش اصلی نمایش، با همراهی دو بازیگر جوان گروه، «نازنین زنگنه» و «زهرآ صحتی»، در این چهار شب، ساعت ۲۱ در «عمارت روبه‌رو» روی صحنه می‌رود. مجری طرح نمایش، گروه فیلم و تئاتر «و ناگهان» است و دیگر عوامل نمایش عبارت‌اند از: دستیار کارگردان: مریم خدمتی، مدیر هماهنگی: مریم پابرجا، منشی صحنه: نیره غفاری، مدیر صحنه: علیرضا محمدی، عکاسان: سیدضیاءالدین درزی، محمد گل‌محمدی، با همراهی نستر خدادوست در تبلیغات مجازی. ظرفیت بلیت‌فروشی بسیار محدود این نمایش در سایت تیوال فقط ۱۲ نفر است.



بهناز شیربانی

فیلم «کلوزآپ» ساخته تحسین‌شده عباس کیارستمی به‌تازگی در فهرست ۲۵ فیلم برتر غیرانگلیسی زبان تاریخ سینما از سوی نشریه Far Out قرار گرفت. در این فهرست فیلم «کلوزآپ» در رتبه سیزدهم برترین فیلم‌های غیرانگلیسی‌زبان سینمای جهان و بالاتر از آثار مطرحی چون «هیروشیما، عشق من» ساخته «آل رنه»، «سه رنگ: آبی» به کارگردانی «کریستوف کیشلوفسکی»، «توهم بزرگ» به کارگردانی «ژان رنوار»، «چهارصد ضربه» از «فرانسوا تروفو»، «پاترپانچالی» ساخته «ساتیا جیت رای»، «گوپیرو، خشم خداوند» ساخته «ورنر هرتزوک»، «زنک تفریح» از «ژاک تاتی»، «دزد دوچرخه» به کارگردانی «وینتریو دسیکا»، «ام» از «فریتز لانگ»، «تلاتنت» ساخته «ژان ویکو»، «اسب تورین» از «یلا تار» و فیلم «جذابیت پنهان بورژوازی» ساخته «لئوینس بونولل» قرار دارد که رتبه‌های چهاردهم تا بیست‌وپنجم این فهرست را به خود اختصاص داده‌اند. تعبیر نشریه «Far Out» در توصیف فیلم دکلوآپ» چنین است: «عباس کیارستمی که بزرگ‌ترین فیلم‌ساز موج نو ایرانی است، در فیلم «کلوزآپ» به‌طرز ماهرانه‌ای مرز بین داستان و غیرداستان و فانتزی و واقعیت را در اثر پسامدرن خود زوده است».

فیلم مطرح «کلوزآپ» اندکی بعد از ساخت و نمایش در سال ۱۳۶۸ در بسیاری از فستیوال‌های بزرگ دنیا به نمایش گذاشته شد و به دلیل نوع ساخت و نگاه ویژه کیارستمی در تلفیق سینمای مستند و رئال تحسین بسیاری از منتقدان و مخاطبانش را به‌همراه داشت. این فیلم بر اساس رتبه‌بندی نشریه سایت اندساوند از ۵۰ فیلم برتر تاریخ سینما در رتبه چهل‌وهفتم قرار گرفت. این نشریه با دعوت از ۸۴۶ منتقد، برنامه‌ریز و توزیع‌کننده فیلم در نظرسنجی سایت اندساوند، ۵۰ فیلم برتر تاریخ سینما را انتخاب کردند که فیلم کلوزآپ با کسب ۳۱ رأی در رتبه چهل‌ودوم بهترین فیلم‌های تاریخ سینما به انتخاب بنیاد فیلم بریتانیا قرار گرفت.

به بهانه قرارگرفتن این فیلم در فهرست ۲۵ فیلم برتر غیرانگلیسی‌زبان تاریخ سینما با مجیدبرزگر فیلم‌ساز، درباره یکی از آثار مهم کارنامه عباس کیارستمی هم‌کلام شدیم. به تعبیر مجیدبرزگر «کلوزآپ» حتما یکی از مهم‌ترین فیلم‌های تاریخ سینماست. او گفت: «این فیلم بسیار تأثیرگذار بوده و هست، «کلوزآپ» مثل بسیاری از فیلم‌هایی که ممکن است سراسر داستانی یا فراداستانی باشد، به این سؤال بسیار مهم می‌پردازد که واقعیت و حقیقت چیست؟ یا حقیقت مستند کجاست؟ آیا واقعیتی وجود دارد یا خیر؟ با تمام حرف‌ها و استدلال‌هایی که برای پاسخ به این سؤال در فیلم وجود دارد. درعین‌حال آقای کیارستمی با یک مهارت حیرت‌انگیز درباره موضوع حرف می‌زند و ما را به لایه‌های نهان آدمیان می‌برد. به تعبیری شاید موضوع مهم فیلم «کلوزآپ»



رامین رحیمی

از زمان شیوع ویروس کرونا و بیماری کووید۱۹ در ایران و سراسر جهان و قرنطینه‌های بهداشتی آن، اغلب کسب‌وکارهای جمعی که با مخاطب فیزیکی ماروده داشتند، تعطیل شد و به مرور افزایش زمان آن، با ریزش چشمگیری مخاطب همراه بود.

اقتصاد فرهنگ هم مانند باقی مشاغل متأثر از شرایط، اما مورد آسیب جدی‌تری قرار گرفت؛ زیرا پیش‌ازاین هم در اولویت‌های اولیه مردم و سبب خانوار قرار نداشت.

و اما چرا این چنین است؟ و چرا ما همیشه در بحران هستیم. مهم‌ترین عمل‌انگزار در این وضعیت، حاکمیتی‌بودن حوزه فرهنگ است که همیشه سیاست‌زده، فربه، کند و منفعل است که به روش بوروکراتیک و کارمندی اداره می‌شود و غیرشفاف که ایجاد رانت و انحصار هم کرده است و حالا بعد از سال‌ها و در شرایط بد اقتصادی و ایزوله‌بودن، توان مدیریت بحران‌های جدید را ندارد. اقتصاد فرهنگ در این مدت مدیرمحور بوده و نه مردم‌محور. سبک مدیریت از بالا دیگر توان عرض اندام ندارد. این نوع مدیریت در راستای حفظ قدرت و میزان اعمال نفوذ خود، تلاشی برای تبدیل حوزه فرهنگ به صنایع فرهنگی نکرده و سندیکی مستقلی هم برای آن ایجاد نشده است تا برای صنوف مرتبط با آن تلاش جمعی صورت بگیرد.

اقتصاد مبتنی بر درآمدهای نفتی در مسیر متغیرهای کلان اقتصاد ایران با وجود تنش‌های سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بلندمدت اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته و در چند سال اخیر با کاهش شدید آن، توان اداره کشور را هم به شیوه گذشته ندارد. تولید ناخالص ملی پایین و صادرات اندک به تناسب واردات و معاملات غیرنقدی محدود به چند کشور و عدم تفاهم‌نامه‌های همکاری اقتصادی پایدار بین کشورها از آسیب‌های مدیریت نفتی با شرایط تنش‌زااست. عدم تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی در حوزه توسعه فرهنگی، چرخش سرمایه را محدود به داخل کرده که آن هم متأسفانه بی‌ثبات است. صادرات محصولات صنایع فرهنگی ما بسیار اندک است و غالباً هم فردی است و ما فرایندی به‌عنوان تجارت آزاد محصولات

نگاهی به فیلم «کلوزآپ» ساخته تحسین‌شده عباس کیارستمی

برزگر: «کلوزآپ» مرزهای یقین و شک



عباس کیارستمی، فرزندان فیلم «کلوزآپ»

ایمان است و این ایمان تا کجا می‌تواند پیشروی کند؟ به نظر می‌رسد بخش زیادی از فیلم بازسازی یک اتفاق مستند است، همان‌طورکه در فیلم می‌بینیم بخش زیادی از فیلم تحت کنترل آقای کیارستمی است و از دریچه نگاه او به شخصیت اصلی حسین سبزیان و خانواده قربانی، خانواده آقای آهنگخواه می‌پردازد و البته شخصیت حقوقی آقای مخملباف».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «فیلم بدون هیچ عنوان و اتفاقی با یک سکانس طولانی شروع می‌شود که در این سکانس یک خبرنگار و دو پلیس در یک ماشین به یک سمتی می‌روند تا یک فرد شایده که ظاهرا خودش را به‌عنوان یک کارگردان مشهور جا زده و قصد دارد از خانواده‌ای مرفه سوءاستفاده کند، دستگیر کنند. سکانس کاملاً داستانی به نظر می‌رسد اما صحنه‌پردازی و زمان بندی دقیق، جای درستی دوربین و کارگردانی آقای کیارستمی، موضوع دیگری را برای ما روشن می‌کند. همان‌طور که در تیتراژ هم گمان می‌کنم نوشته شده، براساس اتفاقات واقعی ساخته شده و فیلم صحنه‌های مستند زیادی در دادگاه و لوکیشن‌های دیگر دارد و بالین‌حال سعی می‌کند در کنار آنها با بازسازی واقعیت مرزهایی را



فرهنگ در بحران یا بحران در فرهنگ؟

فرهنگی نداشته و نداریم. شوک اقتصادی کووید۱۹، باعث حذف کسب‌وکارهای سنتی شد و ثابت کرد که شیوه‌ها و روش‌های گذشته و به‌روز‌نشده چه مقدار متزلزل است؛ اما از طرفی دیگر باعث ایجاد و رونق فرصت‌های جدید شغلی شده است. مدیریت دستوری و از بالا شکست است. با روش‌های کهنه دیگر امکان و توان حفظ شرایط قبل وجود ندارد.

حوزه فرهنگ باید مبتنی بر بازار و مخاطب باشد و بر پایه سندیکایی؛ زیرا در گسترش خرده‌فروشی نقش بسزایی داشته و دارد. دولت‌ها نباید در سیاست‌گذاری فرهنگی ورود کنند؛ زیرا در اقتصاد آن سهمیم نیستند و اوضاع آن تأثیری در میزان حقوق و درآمدهشان ندارد. اقتصاد فرهنگ باید مبتنی بر بازار آزاد و مخاطب‌محوری و بر پایه عرضه و تقاضا پیش برود. در این سال‌ها فرهنگ ایزوله و گلخانه‌ای فرصت بروز و تغییر روش پیدا نکرده و فقط باعث ایجاد فساد و انحصار برای عده‌ای شده است. روش‌های کارمندی و بیلانی در حوزه فرهنگ باعث رکود، رخوت و افت شدید بهره‌وری و هدررفتن سرمایه‌های عمومی بدون خروجی مؤثر شده است. ورود دولت‌ها فقط باید در حوزه رفاهی اهالی فرهنگ مانند دیگر صنوف باشد. بیمه‌های درمانی و بی‌کاری و ارائه تسهیلات کم‌بهره و بلندمدت و ...

تجربیات کشورهای مختلف به‌ویژه در این دوران کروانی هم مبتنی بر این موارد بوده است. کشورهای اروپایی، کانادا و آمریکا و استرالیا و حتی ژاپن و کره و هند تقریباً موارد مشابهی را در پیش گرفته‌اند، در راستای حمایت از حوزه فرهنگ که



جایه‌جا کند و ما را به رهیافت دیگری از واقعیت و حقیقت برساند».

کارگردان فیلم تحسین‌شده «پرویز» گفت: «به نظرم اگر این گزاره که آقای کیارستمی تلاش خودش را کرد تا واقعیت خالص و اصیل را در دل روایت‌ها، صدا و تصویر فیلم‌هایش استخراج کند و نمایش بدهد را در نظر بگیریم - که البته به نظرم این ظاهر کاری است که او انجام می‌داد و در حقیقت جهان ذهنی خودش را با مهارت در قالب یک واقعیت به ما نشان می‌داد - اگر اینها را به‌عنوان یک شاخصه از سینمای آقای کیارستمی بپذیریم، حتما «کلوزآپ»، این شاهکار جاودانی او، یکی از تأثیرگذارترین و جریان‌سازترین آثارش هم به شمار می‌آید. من گمان می‌کنم که «کلوزآپ» نقطه عطفی است در کارنامه آقای کیارستمی که از یک جریان رئالیسم که پیش از این تجربه می‌کرد، به آثار بعد از آن می‌رسد و این شکل‌وشمایل و وجه مستندگونه کاملاً در حوزه و

اختیار آقای کیارستمی، یک شاخص قلمداد می‌شود. همچنان که در فیلم ۱۰ و دیگر آثار بعدی او حتی فیلمی مثل «طعم گیلان» می‌بینیم، او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «فکر می‌کنم این اصالت و کمال که در «کلوزآپ» دیده می‌شود، نهایت قراری است که آقای کیارستمی در آن دوره به‌خصوص از سینما به آن رسیدند و میزان دقت و نحوه قرارگیری دوربینش این را به ما ثابت می‌کند. فکر می‌کنم همین‌طور که جایی خودشان گفتند بیش از اینکه تلاش کند واقعیت همه‌جانبه ماجرا را نمایش بدهد، سعی می‌کند یک حقیقت «تقریبی» و «ضمنی» از ماجرا به دست بدهد و این کاری است که همیشه در فیلم‌هایش انجام داده است. تقریباً شخصیت اصلی فیلم، آقای سبزیان، با وجود اینکه نقش یک آدم پشیمان را بازی می‌کند ولی می‌توان دید که همچنان در حال بازی‌کردن است. کاری‌که در واقعیت موضوع انجام داد. اینجا هم آقای کیارستمی با تیزهوشی از او به شکلی بازی می‌گیرد و سبزیان شخصیت را طوری بازی می‌کند و دیالوگ می‌گوید که حتی وقتی جایی از تולستوی نقل می‌کند، مطمئن نیستم که خواسته آقای کیارستمی بوده و به او تأکید کرده این جملات را بگو یا حرف‌های خودش است؛ به‌رحال «کلوزآپ» اثری است صمیمی و به‌شدت هنرمندانه و تأثیرگذار. فکر می‌کنم «کلوزآپ» بسیاری را مشتاق فیلم‌سازی کرد. اگر چه این شیوه و مسیر سهل‌وهمتنع آقای کیارستمی به‌سادگی قابل کپیبرداری نیست. اما فکر می‌کنم سلوک او در آثارش می‌تواند مسیر روشنی را برای سینمای آینده طراحی کند».

او در پایان گفت: «کلوزآپ محصول سال ۱۳۶۸ در ایران است؛ پایان دوره‌ای از فیلم‌سازی آقای کیارستمی. وقتی که دوربین آقای کیارستمی در جریان محاکمه واقعی سبزیان به‌طور کامل بر کلوزآپ و نمای نزدیک بر چهره او ثابت می‌ماند، اساس استراتژی فیلم را طراحی می‌کند و حضور نابازیگران همه در نقش‌های خودشان و طراحی دیالوگ‌ها و مکالمات آنها به‌طور عجیبی در دل ماجرا قرار گرفته است. درحالی‌که ماجرا پیش از این فیلم اتفاق افتاده. همین موضوع و رویکرد و استراتژی در کارگردانی، ویژگی، وجه امتیاز و وجه تمایز او نسبت به دیگران است».

فرمان آرا؛ سینایی برای

شناخته و برطرف شده است و در فرهنگ اجتماعی هم با توجه به مزیت اقتصادی آن برای مردم توسعه و گسترش داشته است. به‌توجه به یک دوم گسترش ویروس کرونا و افزایش نرخ بی‌کاری و کاهش تقاضای داخلی و خارجی، چاره‌ای جز تغییر روش‌های گذشته برای حفظ ثبات در حوزه اقتصاد فرهنگ وجود ندارد. دولت‌ها نباید در اقتصاد خرد و تولید محصول فرهنگی ورود کنند. حمایت دولت‌ها باید به سمت ایجاد شبکه‌سازی برای افزایش مخاطب و بازارسازی برای افزایش ظرفیت ارائه محصول باشد. مدل‌های اقتصاد استارت‌آپی به‌شدت جایگزین روش‌های سنتی گذشته شده است که مزیت‌های فراوانی مانند افزایش پویایی و بهره‌وری مخاطب‌محوری و شفافیت مالی دارد و بر پایه اقتصاد مبتنی بر خدمات و بدون سرمایه و بر مبنای توان دانش و نیروی انسانی کارآمد و ارزش‌آفرینی استوار است.

دولت می‌تواند به‌عنوان یک انکوباتور (مرکز رشد و شکوفایی) فعالیت کند و با ایجاد تعاملات مستمر بین‌بخشی و ارتباطات مؤثر به ایجاد و رونق توسعه کسب‌وکارهای نوین و پایدار کمک کند. و همچنین با نحوه صحیح مدیریت منابع و حمایت لجستیکی و زیرساختی بر پایه شناخت نیازهای حقیقی این حوزه در راستای توسعه بازار قدم بردارد و به کسب‌وکارهای جدید و کوچک با طرح‌های زودبازده و نیروی اجرایی دانش‌محور و جوان ورود کند. دولت باید در ایجاد و تثبیت فرهنگ و هنر به سمت صنایع فرهنگی و خلاق حرکت و از ایجاد یک سندیکیای مستقل صنفی حمایت کند که آنجا هم در راستای ایجاد خدمات رفاهی و تأمین امنیت شغلی و مبارزه با انحصار برای اعضانش، برای بهبود وضعیت کسب‌وکار و حفظ جایگاه نیروی رشد اقتصادی شغل در آن فعالیت کند؛ زیرا تأمین مالی پروژه‌ها از روش‌های نوینی مانند کراود فانڈینگ (سرمایه جمعی) و استفاده از بورس و فرابورس و... هم انجام‌شدنی است.

نیاز فضای فرهنگی کشور، چه در دوران بحران کرونا، چه پس از آن، برای خروج از بحران پیشین و موجود اقتصادی، تغییر در نوع نگاه در سیاست‌گذاری و حرکت به سمت روش‌های نوین تولید و عرضه محصولات است که این امر جز با حضور نیروی جوان و علمی و خروج دولت و حاکمیت از تصدی‌گری در این حوزه صورت نخواهد گرفت.

هنر

دریچه

در مراسم یادبود مرحوم خسرو سینایی:

فرمان آرا؛ سینایی برای سینمای ما زیادی نجیب بود

● به گزارش گروه سینمایی هنر و تجربه، مراسم یادبود مرحوم خسرو سینایی با حضور هنرمندان سینما جمعه ۱۷ مرداد به صورت مجازی با اجرای حمید فرخ‌نژاد در لایو صفحه اینستاگرام کانون کارگردانان سینمای ایران برگزار شد. محسن امیریوسفی سینما همه با حضاران در این مراسم مجازی، ضمن تسلیت برای درگذشت خسرو سینایی گفت: «ما با اینکه به دلیل کرونا دستمان بسته است، تلاش کردیم یادبودی در سطح اسناد سینایی برگزار کنیم و امیدواریم موفق باشیم. خاطرات زیادی از خسرو سینایی در کانون کارگردانان سینما هست و همیشه با هم درباره مسائل مختلف گفت‌وگو داشتیم. استاد سینایی وجوه مختلفی داشت و در زمینه فیلم کوتاه، مستند، موسیقی و... متخصص بود. ای‌کاش سینایی این‌اواخر می‌توانست فیلم آخرش را بسازد و این حسرت بر دل او و ما نمی‌ماند».

او ادامه داد: «ای‌کاش برای فیلم‌سازان بزرگ دیگر چاره‌ای بیندیشیم تا دچار این ای‌کاش‌های نشویم. امیدوارم حداقل از آثار سینایی که حدود ۱۲۰ فیلم داستانی و مستند است، بهره ببریم. او از تکرارنشدنی‌های سینما و از نسل دهه ۴۰ است که دهه درخشانی بود. امیدوارم همه بازمانده‌های آن دهه در حوزه سینما، فعالیت خود را ادامه دهند. جا دارد از استاد ناصر تقوایی، داریوش مهرجویی، مسعود کیمیایی، بهرام بیضایی و... یادی کنیم و قدردان آنها باشیم. امیدوارم روح استاد سینایی شاد باشد».

در ادامه مراسم، فرح اصولی درباره نگاه هنری‌ای که سبنایی به او داده بود، گفت: «من ۲۳ساله بودم که برای یک انیمیشن با سنایی کار کردم و همیشه نظر خودم را قاطعانه می‌دادم و او هم همین‌طور بود. در حوزه سینما، از او بسیار یاد گرفتم. او کارگردان باسادی بود و نگاه آرئیتی داشت. سینما ابزار هنری سینایی بود. من به او می‌گفتم تو سینما را بلدی، ولی شخصیت به سینما نمی‌خورد. او تماشاچی محدودتر می‌خواست و یک آرتیست مدرنیسم بود».

در ادامه کیژلا سینایی گفت: «خاطره من از خسرو سینایی به وین برمی‌گردد. ما دانشجو بودیم و فیلمی به اسم «هیکسیر» را درباره بچه‌ای که نمی‌خواست به مدرسه برود، می‌ساختیم. در صحنه‌ای لب رود دانوب، بازیگر باید توی آب می‌پرد و ما ناشی بودیم و صحنه از آب درمی‌آمد. در آخر سینایی خودش نقش زن را بر عهده گرفت و بازی کرد. او جدی کار می‌کرد و واقعا زحمت می‌کشید».

بهمن فرمان‌آرا به‌عنوان یکی از میهمانان این مراسم نیز گفت: «سینایی برای سینمای ما زیادی نجیب بود. ما هم‌سن بودیم. تقریباً هم‌زمان به ایران برگشتیم. خیلیی وقت نبود یکدیگر را می‌شناختیم، اما در دایره کاری هیچ‌گاه به هم وصل نشدیم. سینایی دانش گسترده‌ای درباره تمام جنبه‌های سینما داشت. او هم شاعر بود. هم موزیسین. سنایی الکی نمی‌گفت چیزی خوب است یا بد. خسرو برای سیستم ما زیادی نجیب بود در نتیجه، کارهایی که می‌شد در سینما انجام دهد، نتوانست به ثمر برساند و به او می‌گفتند بودجه نیست، درحالی‌که برای کسی که تازه به سینما می‌آمد، ۵۰ برابر بودجه وجود داشت».

فرمان‌آرا افزود: «او حرص می‌خورد و افسرده می‌شد، اما جنس او این‌طور نبود که در روزنامه‌ها مصاحبه کند. نجابت بهترین صفتی است که می‌توان برای او به کار برد، اما او در سیستمی نجیب بود که نجابت چندان به کار نمی‌آید. جنس سینایی از جنس چاپیدن و زرنگی نبود».

فاطمه معتمدآریا در ادامه مراسم آتلاین یادبود برای خسرو سینایی گفت: «من اول به خانواده سینایی می‌گویم تعجب ندارد این همه ابراز محبت مردم به خانواده سینایی. این به دلیل بزرگی خانواده آنهاست. سینایی خانواده‌های هنرمند را پرورش داد. همه این خانواده هنرمند به معنای واقعی هستند. سینایی در تمام زندگی‌اش از زمان مهاجرت و خروج از ایران تا برگشتن به کشور، همیشه آرئیتست بوده و کارهایی داشته که همه ماندگار شده و ما هیچ‌وقت نمی‌گوییم حیف چرا سینایی این کار را کرد؟! این ویژگی از سینایی برای ما به ارب باقی می‌ماند».

او در پایان صحبت‌هایش به درگذشت ماه‌چهره خیلیی نیز اشاره کرد و گفت: «وقتی از خانواده بازیگران، عزیزی از دست می‌رود، غم بزرگی بر دل ما می‌نشیند؛ چون عضوی از خانواده خود را از دست داده‌ایم. من از طرف انجمن بازیگران به پسر و همسرش تسلیت می‌گویم». مهدی احمدی که بیشترین همکاری را با خسرو سینایی داشته نیز در ادامه مراسم گفت: «سینایی به کردن من حق داشته است. من اولین کارم را با او شروع کردم و در سینما باز هم با او همکاری بودیم. ما او را به کوچقه‌های عشق و سینما آورد. او برای او یک دوست هم می‌بود و به برای او می‌زدی یاد می‌شد. سینایی در زمینه شعر دستی به قلم داشت و دو مجموعه شعر از او چاپ شده است: «ترانه شاپرک‌های سپید» و «اتاق صورتی» که بسیار ویژه هستند».